

نقد

و

بررسی



نقدی بر مقاله

# پژوهشی پیرامون قصیده‌های بزرگ

دکتر منصور بهلوان

## مقدمه

چند سال پیش در یکی از شماره‌های مجله «مقالات و بررسی‌ها» مقاله‌ای تحت عنوان «پژوهشی پیرامون قصیده‌ای بزرگ» منتشر شد.<sup>(۱)</sup> قصیده‌ای که آن را فرزددق شاعر در مدح امام زین‌العابدین - علیه‌السلام - سروده و چنین آغاز می‌شود:

هذا الذى تعرف البطحاء و طأته	والبیت يعرفه والحل و الحرم
هذا ابن خیر عبادالله کلهم	هذا التق النق الطاهر العلم
هذا على رسول الله والده	امست بنور هداه تهتدى الامم
اذا رأته قریش قال قائلها	الى مكارم هذا ينتهى الكرم
ينمى الى ذروة العز الذى قصرت	عن نیلها عرب الاسلام والعجم
یکاد یسکه عرفان راحته	رکن الحطیم اذا ما جاء یستلم <sup>(۲)</sup>

سخن اساسی آن مقاله اینست که قصیده از آن فرزددق نیست بلکه در طی زمان شیعیان پاکباخته آنرا ساخته‌اند و به فرزددق شاعر نسبت داده‌اند، چنانکه در آغاز می‌نویسد:

۱- مقالات و بررسی‌ها، سال ۱۳۶۲، شماره: ۳۹-۳۸ / و ترجمه فرانسوی مقاله در همان مجله شماره ۴۰ صفحات ۲۳-۵۷.

۲- ر.ک.: الاختصاص، شیخ مفید، ۱۹۱.

قصیده‌ای است به زیبایی و شیوایی معروف و به فرزدق شاعر منسوب (ص ۹) و در صفحه ۱۶ می‌نویسد: از زمان فرزدق که بین سال‌های ۱۱۱ تا ۱۱۴ هجری در گذشته تا اواسط قرن چهارم هجری کسی را نمی‌شناسیم که به این ابیات یا به آن داستان توجهی خاص کرده باشد. و در صفحه ۱۹ می‌گوید: یک فاصله صدساله که در حقیقت دوران تلفیق و تنظیم قصیده بزرگ و پرورش نهایی داستان هشام است ... و در صفحه ۳۱ می‌نویسد: ملاحظه می‌کنیم که تحول سه چهار قرنۀ داستان در حکایات و تخیلات مردم از یکسو و عشق ایشان به خاندان رسول اکرم (ص) از سوی دیگر باعث گردیده که بر هیجان داستان بیافزایند و آنرا پروبال تازه‌ای بخشند. و در صفحه ۳۸ می‌نویسد: این داستان را در اواخر قرن یازدهم علامه مجلسی نیز نقل کرده است. در حکایتی که او احتمالاً از روایات ابن عایشه آورده چیز تازه‌ای بچشم نمی‌خورد. اما وی اکثر ابیاتی را که دیدیم به صورتی پرآشوب در منابع پراکنده بود یکجا جمع‌آوری کرده و قصیده‌ای شامل چهل و یک بیت ارائه داده است. و در صفحه ۴۴ می‌نویسد: می‌توان احتمال داد که مجموعاً سه بیت از شش بیت مذکور در دیوان از آن فرزدق باشد اما بر این احتمال خود دلیل قاطعی نداریم. و در صفحه ۱۳ می‌نویسد: اینک پس از بیان این حکایت زیبا و این اشعار دل‌انگیز که طی هزار سال وسیله‌ای از برای تکریم و تعظیم امام سجاد حضرت علی بن‌الحسین (ع) بوده است، به بررسی منابعی که آنها را نقل کرده‌اند می‌پردازیم. و در پایان مقاله آمده است:

شاید عاقلانه‌تر آن باشد که تصور کنیم این ابیات دلنشین را نه یک تن بلکه گروهی از مسلمانان پاک‌دل که جانشان به عشق امامان آکنده بود، طی چندین قرن ساخته‌اند. ایشان زیباترین ساخته‌های خود را در گمنامی تمام تقدیم پیشوایان خود کرده‌اند و از خداوند پاداش نیک خواسته‌اند. خدایشان اجر دهد. (ص ۵۱)

در زیر به بحث و بررسی بعضی از فقرات آن مقاله می‌پردازیم:

## (۱)

در صفحه ۱۶ آمده است: از زمان فرزدق که بین سال‌های ۱۱۱ تا ۱۱۴ هجری در گذشته تا اواسط قرن چهارم کسی را نمی‌شناسیم که به این ابیات یا به آن داستان توجهی خاص

کرده باشد. یعنی حدود ۲۴۰ سال کسی از این داستان و آن قصیده اطلاعی بدست نمی‌دهد. بدیهی است که سکوت نویسندگان عمده این عصر طلایی ادبیات عرب معانی فراوانی دربردارد و شاید این امر عمده‌ترین علت تردید در صحت بخش عمده قصیده و روایات مربوط به آن باشد.

این مطلب نادرست است زیرا کسان بسیاری از دانشمندان و شعرا و راویان، در فاصله زمانی ۱۱۰ تا ۳۵۰ هجری قصیده را نقل کرده‌اند که در زیر به ذکر نام بعضی از ایشان مبادرت می‌کنیم. شایان ذکر است که همه این افراد تصریح کرده‌اند که این قصیده را فرزدق در مدح امام سجاد - علیه السلام - سروده است:

۱- عامر بن شراحیل حمیری معروف به شعبی متوفای ۱۰۳ ه. قصیده را در زمان حیات فرزدق با بیست بیت نقل کرده است. ر. ک: الاغانی ۲۱ / ۳۷۶ و ۳۷۷.

۲- محمد بن حفص بن عایشه که در سال ۱۴۰ ه. در قید حیات بوده است. (۱) وی قصیده را با بیست و هشت بیت نقل کرده است. ر. ک: اختیار معرفة الرجال، ص ۱۲۹ - ۱۳۳.

۳- مجالد بن سعید بن عمیر همدانی متوفای ۱۴۴ ه. قصیده را با بیست بیت نقل کرده است.

ر. ک: الاغانی ۲۱ / ۳۷۶ و ۳۷۷.

۴- فرعان بن الاعرف متوفای قرن دوم و از راویان بدون واسطه شعر فرزدق است. شیخ مفید متوفای ۴۱۲ ه. درباره وی می‌نویسد: هومن رواة شعر الفرزدق (۲) و ابوتمام برخی از اشعار وی را در الحماسه نقل کرده است. (۳) وی قصیده را با ۲۹ بیت نقل کرده است. ر. ک: الاختصاص، ص ۱۸۹ و ۱۹۰.

۵- حبان بن علی عنزی معروف به ابوعلی کوفی (۴) متوفای ۱۷۳ ه. قصیده را با بیست بیت نقل کرده است. ر. ک: الاغانی ۲۱ / ۳۷۶ و ۳۷۷.

۶- جویریة بن اسماء بصری (۵) متوفای ۱۷۳ ه. بیست و نه بیت قصیده را نقل کرده

۲- الاختصاص ۱۸۹.

۱- الجرح و التعديل، ج ۷ / ۲۲۶.

۴- تهذيب الكمال، ج ۵ / ۳۳۹.

۳- دیوان الحماسه ج ۲ / ۱۷۵ قاهره.

۵- الاعلام، ج ۲ / ۱۴۸.

- است. ر. ک: الاختصاص، ص ۱۸۹ - ۱۹۰.
- ۷- هشام بن عبدالاعلی از اعلام قرن دوم قصیده را با بیست و نه بیت نقل کرده است. ر. ک: الاختصاص، ص ۱۸۹ - ۱۹۰.
- ۸- محمد بن اسماعیل بن بزیع<sup>(۱)</sup> از اصحاب امام کاظم - علیه السلام - و سال وفاتش قبل از ۱۸۳ هجری بوده است. وی هفت بیت از قصیده را نقل کرده است. ر. ک: الارشاد، ج ۲ / ۱۴۹.
- ۹- هشام از اعلام قرن دوم نه بیت از قصیده را نقل کرده است. ر. ک: المحاسن و المساوی ص ۲۱۲.
- ۱۰- سلیمان بن هشام که در اواخر قرن دوم در قید حیات بوده است. وی نه بیت از قصیده را نقل کرده است. ر. ک: المعجم الکبیر ج ۳ / ۱۰۱ و ۱۰۲.
- ۱۱- کیسان از اعلام قرن دوم که در سال ۲۰۰ هجری در قید حیات بوده است. وی قصیده را با بیست و نه بیت نقل کرده است. ر. ک: الاختصاص، ص ۱۸۹ و ۱۹۰.
- ۱۲- عبدالملک بن قریب معروف به ابوسعید اصمعی متوفای ۲۱۶ هجری عالم به لغت و شعر و ادب عربی است و شانزده هزار ارجوزه را حفظ کرده است.<sup>(۲)</sup> اصمعی بسیاری از نقائص فرزدق و جریر و اشعار و قصاید آنها را نقل کرده است.<sup>(۳)</sup> وی راوی دیوان فرزدق است و دیوان فرزدق به روایت اصمعی در سال ۱۲۹۳ هجری در قاهره در مجموعه خمسه دواوین (النابعه، عروه، حاتم، علقمه، فرزدق) چاپ شده است.<sup>(۴)</sup> اصمعی بیست و هفت بیت از قصیده فرزدق در مدح امام زین العابدین - علیه السلام - را نقل کرده است.
- ۱۳- یزید بن عمرو غنوی از اعلام قرن سوم، نه بیت از قصیده را نقل کرده است. ر. ک: المعجم الکبیر ج ۳ / ۱۰۱ و ۱۰۲.

۱ - التنقیح ترجمه ۱۰۳۹۳.

۲ - تاریخ بغداد، ج ۱۰ / ۴۱۰ - ۴۲۰ و سیر اعلام النبلاء ج ۱۰ / ۱۵.

۳ - الفهرست، ابن الندیم، ص ۱۷۹.

۴ - تاریخ الادب العربی، بروکلیمان، ج ۱ / ۲۱۳ و معجم المطبوعات العربیة، یوسف الیان سرکیس ص ۱۴۴۴.

۱۴- علی بن محمد، ابوالحسن مدائنی متوفای ۲۲۵ هـ. کسی که یحیی بن معین درباره او می‌گوید: ثقة ثقة ثقة.<sup>(۱)</sup> وی نه بیت از قصیده را نقل کرده است. ر. ک: المحاسن و المساوی، ص ۲۱۲.

۱۵- حبیب بن اوس طایی معروف به ابوتمام متوفای ۲۳۱ هـ که از ادیبان و شعرای بزرگ عرب است. وی بسیاری از قصاید شعرا را حفظ داشت و کتابهای چندی نگاشت از جمله: ۱- الاختیارات ۲- الفحول که برگزیده قصائد شعرای جاهلی است. ۳- الحماسه که نام جنگ کوچکی است که در آن اشعار برگزیده عربی را تا عصر خود گرد آورده است.<sup>(۲)</sup>

ابوتمام شش بیت از قصیده فرزدق در مدح امام سجاد - علیه السلام را در الحماسه آورده است. ر. ک: شرح دیوان الحماسه مرزوقی ص ۱۶۲۱ و شرح دیوان الحماسه تبریزی ۲ / ۸۲.

۱۶- ابوعلی حسین بن محمد بن طالب متوفای نیمه اول قرن سوم. وی هفت بیت از قصیده فرزدق را نقل کرده است. ر. ک: تاریخ دمشق، ترجمه امام زین العابدین، ص ۸۹ و ۹۰.

۱۷- عبیدالله بن محمد بن حفص معروف به ابن عائشه متوفای ۲۲۸ هـ. احمد بن حنبل درباره وی گفته است: صدوق فی الحدیث و ابن ابی حاتم گوید: سئل ابی عن عبیدالله ابن عائشه فقال: صدوق ثقة.<sup>(۳)</sup>

ابن عایشه ۲۹ بیت از قصیده را روایت کرده است. ر. ک: الاختصاص ۱۸۷ - ۱۹۰ و اختیار معرفة الرجال ۱۲۹ - ۱۳۳ و طبقات الشافعیة الكبرى ج ۱ / ۲۹۰ - ۲۹۳.

۱۸- ابوعثمان الجاحظ متوفای ۲۵۰ هـ از ائمه ادب عربی است. در بصره به دنیا آمد و در آنجا نیز درگذشت. در جمیع علوم زمانه استاد بود و کتابهایی از وی بازماند از جمله الحیوان، البیان و التبیین، البخلاء و التاج.<sup>(۴)</sup>

۱- ر. ک: تاریخ بغداد و میزان الاعتدال و لسان المیزان ۲۳۵/۴.

۲- الفهرست، ابن الندیم، ص ۱۹۰.

۳- تاریخ بغداد ج ۱۰ / ۳۱۷ و ۳۱۸ و الجرح و التعديل ج ۵ / ۳۳۵ و سير اعلام النبلاء ۱۰ / ۵۶۴ و المنتظم ۱۱ / ۱۳۷.

۴- فرهنگ فارسی ۵ / ۴۱۷.

- جاحظ در دو کتابش دو بیت از قصیده را نقل کرده است. ر. ک: الحیوان ج ۴ / ۱۳۳ و البیان و التبیان ج ۱ / ۳۷۰ و ج ۳ / ۴.
- لازم به ذکر است که جاحظ در کتابهایش هیچ قصیده‌ای را بطور کامل نقل نکرده است، بلکه به مناسبت موضوع، به نقل یکی دو بیت اکتفا می‌کند.
- ۱۹- ابو عبدالله محمد بن زیاد معروف به ابن الاعرابی متوفای ۲۳۱ هـ که کتابهای عدیده‌ای نگاشته است. خطیب بغدادی در تاریخش او را توثیق کرده و گفته است: او به لغات و ایام و انساب عرب داناترین است و آئه رأس فی کلام العرب.<sup>(۱)</sup>
- ابن اعرابی راوی دیوان فرزدق است و دیوان فرزدق به روایت ابن اعرابی در سال ۱۹۰۰ میلاد به کوشش ژوزف هیل در آلمان طبع گردیده است و در صفحه ۷۰ و ۷۱ کتاب بخشی از قصیده فرزدق در مدح امام زین العابدین علیه السلام آمده است.
- ۲۰- محمد بن حبیب بن امیة بن عمرو ابوجعفر بغدادی متوفای ۲۴۵ هـ عالم به انساب و اخبار و زبان و لغت و شعر عرب، در بغداد متولد شد و در سامرا درگذشت او راست: کتاب من نسب الی امه من الشعراء، الامثال، اخبار الشعراء و طبقاتهم، نقائض جریر و فرزدق، شرح دیوان الفرزدق، تاریخ الخلفاء، مقاتل الفرسان، الشعراء و انسابهم، القاب القبائل و غیره.<sup>(۲)</sup>
- نسخه‌ای از دیوان فرزدق به روایت محمد بن حبیب در دار الکتب المصریه موجود است.<sup>(۳)</sup> و نسخه دیگری از آن با ترجمه فرانسوی توسط ژوزف هیل در مونیخ در ۱۹۰۰ میلادی طبع گردیده است. در صفحه ۷۰ و ۷۱ کتاب اخیر بخشی از قصیده فرزدق در مدح امام زین العابدین - علیه السلام - آمده است.
- ۲۱- ابوالفضل محمد بن احمد بن مجاهد از اعلام قرن سوم، وی ۲۸ بیت از قصیده را روایت کرده است. ر. ک: اختیار معرفة الرجال ص ۱۲۹ - ۱۳۳.

۱- تاریخ بغداد ج ۵ / ۲۸۳ - ۲۸۵ و الوافی بالوفیات ج ۳ / ۷۹.

۲- الاعلام ج ۳ / ۸۸۰ این شخص در ادب عربی چنان معروف است که ابن هشام در المغنی درباره نام مادر او می‌نویسد: و حبیب ممنوع من الصرف لانه اسم امه ج ۲ / ۶۱۵. اما نویسنده مقاله مورد بحث درباره ابوجعفر بغدادی محمد بن حبیب که در بغداد متولد شده و در سامرا درگذشته است، می‌نویسد: مردی مصری به نام محمد بن حبیب متوفای ۲۴۵ هجری!! ر. ک: مقاله پژوهشی پیرامون قصیده‌ای بزرگ ص ۱۵.

۳- تاریخ آداب اللغة العربیة / ۲۵۷.



- ۲۲- ابوعثمان مازنی بکر بن محمد بن عدی متوفای ۲۴۹. (۱) وی بیست و نه بیت از قصیده فرزدق در مدح امام علی بن الحسین - علیه السلام - را نقل کرده است. ر. ک: الاختصاص ۱۸۹ - ۱۹۰.
- ۲۳- حسین بن محمد بن جمهور العمی متوفای نیمه دوم قرن سوم. وی بیست و نه بیت از قصیده مورد بحث را روایت کرده است. ر. ک: الاختصاص ۱۸۹ - ۱۹۰.
- ۲۴- علاء بن محمد بن زکریا از اعلام قرن سوم قصیده را با بیست و هشت بیت روایت کرده است. ر. ک: اختیار معرفة الرجال ص ۱۲۹ - ۱۳۳.
- ۲۵- یحیی بن حسن علوی متوفای ۲۷۷ هـ قصیده را نقل کرده و هفت بیت از روایت او را سید مرتضی نقل فرموده است. ر. ک: الامالی ۱ / ۴۸ و ۴۹.
- ۲۶- ابو عبدالله محمد بن مسلم دینوری متوفای ۲۷۶ هـ عالم و ادیب معروف عرب و صاحب کتابهای ادب الکاتب، معانی الشعر، عیون الاخبار، طبقات الشعراء و غیره. (۲) وی در دو کتاب عیون الاخبار ج ۱ / ۲۹۴ و ج ۲ / ۱۹۶ و طبقات الشعراء ص ۷ دو بیت از این قصیده را نقل کرده است. لازم به ذکر است که ابن قتیبه در کتابش قصد نقل کامل قصائد را ندارد، بلکه به مناسبت موضوع به نقل یکی دو بیت اکتفا می‌کند.
- ۲۷- احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن علی بن الحسین - علیهما السلام - که از اعلام قرن سوم است. وی راوی قصیده فرزدق است و هفت بیت از روایت وی را شیخ مفید در کتاب الارشاد ج ۲ / ۱۴۹ نقل فرموده است.
- ۲۸- محمد بن جعفر متوفای نیمه دوم قرن سوم وی بیست و هشت بیت قصیده را نقل کرده است. ر. ک: اختیار معرفة الرجال، ص ۱۲۹ - ۱۳۳ و الاختصاص ۱۸۷ - ۱۹۰.
- ۲۹- ابوسعید سگری متوفای ۲۹۰ هـ از ادیبان و شاعران معروف عرب است. ابن ندیم در الفهرست می‌گوید: سگری دیوان فرزدق را نیکو گرد آورده است. (۳) نسخه معتبری از این دیوان در کتابخانه بودلیانا موجود است و بروکلیمان در کتابش آنرا گزارش کرده است. (۴)

۱- سیر اعلام النبلاء ج ۱۲ / ۲۷۰ و الاعلام ج ۲ / ۶۹.

۲- فرهنگ فارسی ۵ / ۸۶

۳- الفهرست، ابن ندیم، ص ۱۹۰.

۴- تاریخ الادب العربی، بروکمان ج ۱ / ۲۱۳.

- ۳۰- عبدالله بن علی بن الحسن الهاشمی وی در اواخر قرن سوم در قید حیات بوده است و بیست بیت از قصیده را نقل کرده است. ر. ک: الاغانی ۲۱ / ۳۷۶ و ۳۷۷.
- ۳۱- ابو عبدالله محمد بن زکریا بن دینار متوفای ۲۹۸ هجری<sup>(۱)</sup> وی بیست و هشت بیت از قصیده فرزدق در مدح امام زین العابدین - علیه السلام - را نقل کرده است. ر. ک: تاریخ دمشق، ترجمة الامام زین العابدین ص ۹۱ - ۹۳ و تهذیب الکمال ج ۲۰ / ۴۰۰ - ۴۰۲. ابونعیم اصفهانی نیز هفت بیت از روایت وی را نقل کرده است. ر. ک: حلیة الاولیاء ج ۳ / ۱۳۹.
- ۳۲- محمد بن حنیفة بن ماهان واسطی که در سال ۳۰۰ هجری زندگانی داشته است.<sup>(۲)</sup> وی طبق نقل طبرانی<sup>۳</sup> بیست و یک بیت قصیده را روایت کرده است. ر. ک: المعجم الکبیر ج ۳ / ۱۰۱ و ۱۰۲.
- ۳۳- ابراهیم بن محمد بیهقی متوفای حدود ۳۰۰ هجری. وی طبق نقل بیهقی نه بیت از قصیده فرزدق در مدح امام سجاد - علیه السلام - را روایت کرده است. ر. ک: المحاسن و المساوی ص ۲۱۲.
- ۳۴- ابوالنضر عقیلی متوفای بعد از ۳۰۰ هجری. وی طبق نقل ابن عساکر بیست و هفت بیت از قصیده را نقل کرده است. ر. ک: تاریخ دمشق، ترجمة الامام زین العابدین ص ۹۱ - ۹۳.
- ۳۵- احمد بن محمد بن الجعد متوفای ۳۰۱ هجری. وی طبق نقل ابوالفرج اصفهانی هفت بیت از قصیده را نقل کرده است. ر. ک: الاغانی ۱۵ / ۳۲۷.
- ۳۶- محمد بن علی مخلص ابو جعفر اصفهانی متوفای ۳۰۷ هجری.<sup>(۳)</sup> وی طبق نقل ابن عساکر هفت بیت از قصیده مورد بحث را نقل کرده است. ر. ک: تاریخ دمشق، ترجمة الامام زین العابدین ص ۹۰ - ۹۱.
- ۳۷- محمد بن اسحاق ثقفی متوفای ۳۱۳ هجری.<sup>(۴)</sup> وی طبق نقل ابونعیم اصفهانی هفت بیت از این قصیده را نقل کرده است. ر. ک: حلیة الاولیاء ج ۳ / ۱۳۹.

۱- سیر اعلام النبلاء ج ۱۳ / ۵۲۴ و الاعلام ج ۶ / ۱۳۰.

۲- تاریخ بغداد ج ۲ / ۲۹۶ و میزان الاعتدال ج ۳ / ۵۳۲ و لسان المیزان ج ۵ / ۱۵۰.

۳- سیر اعلام النبلاء ج ۱۴ / ۱۳۷. ۴- همان مدرک ج ۱۴ / ۲۸۸.

- ۳۸- محمدبن مسعود بن محمدبن عیاش سمرقندی متوفای ۳۲۰ هجری، مفسر و محدث معروف<sup>(۱)</sup> وی طبق نقل شیخ ابوجعفر طوسی بیست و هشت بیت از قصیده فرزددق در مدح امام علی بن الحسین - علیه‌السلام - را روایت کرده است. ر. ک: اختیار معرفة الرجال ص ۱۲۹ - ۱۳۳.
- ۳۹- محمدبن جعفر بن محمد العلوی معروف به ابوالقیراط متوفای پس از ۳۲۸ هجری.<sup>(۲)</sup> وی از سلاله امام حسن مجتبی - علیه‌السلام - است و طبق نقل شیخ مفید بیست و نه بیت از قصیده را روایت کرده است. ر. ک: الاختصاص ۱۸۹ - ۱۹۰.
- ۴۰- ابوبکر محمدبن یحیی بن عبدالله صولی متوفای ۳۳۵ هجری که از نجوم زاهره و اعلام و اعیان و نبلاست<sup>(۳)</sup> وی بیست و هفت بیت از قصیده فرزددق در مدح امام علی بن الحسین - علیهما‌السلام - را روایت کرده است. ر. ک: البداية والنهاية ج ۹ / ۱۲۶ - ۱۲۸.
- ۴۱- جعفر بن حسین بن علی بن شهریار معروف به ابو محمد المؤمن القمی متوفای ۳۴۰ هجری.<sup>(۴)</sup> وی بیست و نه بیت از قصیده مورد بحث را طبق نقل شیخ مفید روایت کرده است. ر. ک: الاختصاص ۱۸۷ - ۱۹۰.
- ۴۲- ابو عمرو محمدبن عمر بن عبدالعزیز الکشی متوفای ۳۴۰ هجری که از دانشمندان و رجالیان بزرگ است. وی بیست و هشت بیت از قصیده فرزددق در مدح امام سجاد - علیه‌السلام - را روایت کرده است. ر. ک: اختیار معرفة الرجال ص ۱۲۹ - ۱۳۳.<sup>(۵)</sup> خوانساری نیز روایت کشی را با بیست و هشت بیت نقل کرده است و در پایان می‌نویسد و فی بعض النسخ ایضاً هذه الزیادة... آنگاه پنج بیت دیگر از قصیده را نقل می‌کند. ر. ک: روضات الجنات ج ۶ / ۸.
- ۴۳- حیدر بن محمد بن نعیم ابواحمد سمرقندی متوفای پس از ۳۴۰ هجری.<sup>(۶)</sup> وی راوی قصیده فرزددق است و بیست و نه بیت از قصیده را نقل کرده است. ر. ک:

۱- الاعلام ج ۷ / ۹۵ .  
۲- طبقات اعلام الشيعة ج ۱ / ۲۵۵ .  
۳- النجوم الزاهرة ج ۳ / ۲۹۶ و الاعلام ج ۷ / ۱۳۶ وفيات الاعیان ج ۱ / ۵۰۸ و سير اعلام النبلاء ج ۱۵ / ۳۰۱ .  
۴- طبقات اعلام الشيعة ج ۱ / ۷۰ .  
۵- الاعلام ج ۶ / ۳۱۱ .  
۶- طبقات اعلام الشيعة، ج ۱ / ۱۲۶ .

الاختصاص ۱۸۷-۱۹۰.

۴۴- علی بن الحسن بن یوسف که در سال ۳۴۰ هجری در قید حیات بوده است. وی نیز طبق نقل شیخ مفید بیست و نه بیت از قصیده مورد بحث را نقل کرده است. ر. ک: الاختصاص ص ۱۸۹-۱۹۰.

۴۵- علی بن الحسین بن محمد ابوالفرج اصفهانی متوفای ۳۵۶ هجری. وی در ادب عرب شاگرد ابن درید و ابن الانباری و محمد بن جریر طبری بود. کتاب مشهورش الاغانی است و سایر آثارش مقاتل الطالبیین، الاماء الشواعر و الدیارات است. (۱) ابوالفرج نیز در دو موضع کتابش قصیده فرزددق در مدح امام زین العابدین - علیه السلام - را روایت کرده است. ر. ک: الاغانی ۱۵ / ۳۲۷ هفت بیت و الاغانی ۲۱ / ۳۷۶ و ۳۷۷ بیست بیت.

## (۲)

در صفحه ۴۱ مقاله آمده است: شعری که فرزددق در مدح یزید بن عبدالملک سروده دلیل قاطعی است بر سستی اعتقاد و قلت ایمان او و در صحت انتساب این شعر به او تردید نیست:

و لو كان بعد المصطفى من عباده	نبي لهم منهم لامر العزائم
لكنت الذي يختاره الله بعده	لحمل الامانات الثقال العظام <sup>(۲)</sup>
و رثتم خليل الله كل خزانه	و كل كتاب بالنبوة قائم

۱- فرهنگ فارسی ۵ / ۹۱.

۲- در کتاب تاریخ الادب العربی تألیف شوقی ضیف ج ۲ / ۲۷۳ و به تبع آن مقاله مورد بحث صفحه ۴۱ «محل الامانات» ثبت است اما در دیوان الفرزدق تصحیح صاوی ج ۲ / ۸۲۹ و دیوان الفرزدق تصحیح بستانی ج ۲ / ۲۸۲ «لحمل الامانات» ثبت شده است و درست نیز همین است.

همین ابیات را شوقی ضیف دلیل بر عدم اعتقاد او به تشیع و یا هر مذهب دیگر می‌داند.

در زیر به بررسی مطالب فوق می‌پردازیم:  
 اولاً: شوقی ضیف نگفته است که این ابیات دلیل آنست که فرزدق به هیچ مذهبی متدین نبوده است. وی پس از نقل ابیات فوق می‌گوید: *ولعل فی هذه الابیات ما ینقض قول من زعموا انه کان شیعیاً ماثلاً الی بنی هاشم*.<sup>(۱)</sup> یعنی شاید در ابیات فوق چیزی باشد که نقض کند قول کسانی را که می‌پندارند او شیعی و متمایل به بنی هاشم بود. به عبارت دیگر او احتمال می‌دهد گوینده اشعار فوق شیعه مذهب نباشد، نه آنکه اشعار فوق را دلیل بر بی‌دینی و لامذهبی فرزدق بدانند.

ثانیاً: اشعار فوق نه تنها بر لامذهبی فرزدق دلالت ندارد بلکه اتفاقاً نشانه آن است که وی معتقد به خداوند و وحی و نبوت و انبیای الهی بوده است. نام حضرت ابراهیم خلیل‌الله (ع) را ذکر می‌کند و از حضرت محمد مصطفی (ص) یاد می‌نماید و خاتمیت پیامبر اکرم را - که در قرآن کریم بدان تصریح شده - گوشزد می‌کند و اینکه خداوند پیامبران را به مشیت خود برمی‌گزیند کما قال: *الله اعلم حیث یجعل رسالته*<sup>(۲)</sup> و اینکه خلیفه پیامبر اسلام خلیفه انبیای بزرگ الهی نیز هست.

ثالثاً: شعر فرزدق در مدح امام زین العابدین - علیه السلام - و شعر او در مدح یزیدبن عبدالملک هر دو در دیوان فرزدق آمده است.<sup>(۳)</sup> چگونه است که می‌گوییم در انتساب شعر دوم به او تردید نیست اما در انتساب شعر اول تردید می‌کنیم، با وجود آنکه مدح یزیدبن عبدالملک تنها در دیوان آمده است، اما شعر فرزدق در مدح امام زین العابدین - علیه السلام - علاوه بر دیوان در منابع و مأخذ دیگر هم آمده است.

رابعاً: می‌گویند یزیدبن عبدالملک (۷۱ - ۱۵۰ هجری) پس از عمر بن عبدالعزیز در سال ۱۰۱ هجری بر تخت سلطنت نشست و در اوایل روش سلف صالح خود را پیش گرفت.<sup>(۴)</sup> نیز یزیدبن عبدالملک و پدرش حقی بر فرزدق دارند، زیر آنها فرزدق را از

۱ - تاریخ الادب العربی، شوقی ضیف ۲/ ۲۷۲ .

۲ - قرآن کریم سورة الانعام ۱۲۴ .

۳ - دیوان الفرزدق، تصحیح استاد کرم بستانی، ص ۱۷۸ و ص ۱۲۸ .

۴ - فرهنگ فارسی ۶ / ۲۳۳۳ .

چنگال زیاد رهاينده او را نجات داده‌اند. چنانکه فرزّدق خود در شعر زیر به این مطلب تصریح می‌کند:

هم ممنوعی من زیاد و غيره بايد طوال امنت كل خائف<sup>(۱)</sup>

خامساً: قصد ما آن نیست که فرزّدق را عالم دین و عابد و پرهیز کار معرفی کنیم که او چنین نبوده است او نیز مانند اغلب شعرای ایرانی و عرب، بعضی از سلاطین را مدح کرده است با اینهمه او گوینده لاله‌الاله و معتقد به معاد و قیامت بوده است و مناسب این مقام روایتی است که در زیر می‌آوریم:

محمد بن سلام گوید: وقتی نوار را اجل فرا رسید به فرزّدق که پسر عمویش بود وصیت کرد که حسن بصری بر او نماز بخواند و فرزّدق او را مطلع ساخت و مردم منتظر بودند که آن دو بیایند. و چون به نزدیک آمدند حسن پرسید؟ مردم را چه می‌شود؟ فرزّدق گفت منتظر بهترین و بدترین خلایقند. حسن گفت نه من بهترین خلق و نه توبدترین ایشان. آنگاه حسن بر سر مزار نوار به فرزّدق گفت: ما اعددت لهذا المضجع؟ فقال: شهادة ان لا اله الا الله منذ سبعين سنة. یعنی برای این جایگاه چه آماده ساخته‌ای و فرزّدق پاسخ داد شهادت لا اله الا الله را از هفتاد سال پیش از این. آنگاه این ابیات را برخواند:

لقد خاب من اولاد آدم من مشى	الى النار مغلول القلادة ازرقا
اخاف وراء القبر ان لم يعافنى	اشد من الموت التهاباً و اضيقاً
اذا جاءنى يوم القيامة قائد	عنيف و سواق يقود الفرزدقاً <sup>(۲)</sup>

(۳)

و در صفحه ۴۲ می‌نویسد: عمر فروخ هم نظر موافقی در باب قصیده فرزّدق ندارد

۱ - دیوان الفرزدق، تصحیح استاد کرم بستانی ج ۲/۱۷. ۲ - الاغانی ۳۱۹/۲۱ و ۳۹۲ و الامالی ۶۲/۱ و ۶۳.

اما علتی که برای تردید خود در صحت انتساب شعر ذکر می‌کند اندکی شگفت است و ی در باب بیت:

یکاد میسکه عرفان راحتہ رکسن الحطیم اذا ما جاء یستلم

اشاره می‌کند که استلام بوسیدن حجر است نه لمس آن و چون فرزدق کسی نیست که از معنای واقعی کلمه اطلاع نداشته باشد لذا قصیده از او نیست. اما علتی که عمر فروخ برای تردید خود ذکر می‌کند نه اندکی که بسیار سست است، زیرا استلام مطلق لمس کردن و دربرگرفتن است و اختصاصی به بوسیدن ندارد، چنانکه در لسان العرب می‌خوانیم:

استلام الحجر، افتعال است از ریشه سلام به معنی تحیت و استلام حجر لمس کردن آن با دست است. و در حدیث است که پیامبر اکرم به حجرالاسود روی آورده و آنرا استلام فرموده سپس لبهایشان را بر آن نهاده و مدتی طولانی گریستند. و جوهری می‌گوید استلام حجر لمس کردن آنست خواه با دست و خواه با بوسیدن. قول دیگری در ریشه و معنی استلام وجود دارد که آن نیز در لسان العرب آمده است. ابن منظور می‌نویسد: دیگران گفته‌اند که استلام حجر افتعال است از ریشه سلام به معنی سنگ. می‌گویی سنگ را استلام کردم هنگامی که آن را لمس کرده‌ای، همچنان که می‌گویی اکتحال کردم یعنی کحل و سرمه به چشم کشیدم.<sup>(۱)</sup>

#### (۴)

در صفحه ۳۸ مقاله آمده است: این داستان را در اواخر قرن یازدهم علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ یا ۱۱۱۱ هـ) نیز نقل کرده است. وی اکثر ابیاتی را که دیدیم به صورتی پراشوب در منابع پراکنده بود یکجا جمع‌آوری کرده و قصیده‌ای شامل چهل و یک بیت ارائه داده است. و در صفحه ۴۹ می‌نویسد: تا سرانجام علامه مجلسی که هیچ سخنی را

ناگفته فرو نمی‌گذاشت آن‌ها را در ذیل قصیده نقل کرد.

این مطالب به هیچ روی صحیح نیست. علامه مجلسی - رحمه الله - اشعار پراکنده دیگران را بنام فرزددق گردآوری نکرده است و سخنان ناگفته بسیاری را فرو گذاشته و در کتابش نیآورده است. وی در جلد ۴۶ بحارالانوار صفحه ۲۴ قصیده فرزددق در مدح امام زین العابدین - علیه السلام - را از جلد ۴ کتاب مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸) بی هیچ افزونی و کاستی نقل نموده است. ابیاتی که ابن شهر آشوب نقل کرده همان چهل و یک بیت است. ای کاش نویسنده محترم به ابتدای نقل بحارالانوار که علامت اختصاری «قب» را ثبت کرده توجه می‌کرد و در فهرست علامات اختصاری ملاحظه می‌نمود که آن، علامت کتاب المناقب ابن شهر آشوب است. آنگاه دیگر نمی‌نوشتند: در قرن یازدهم هجری هفت بیت تازه بر قصیده افزوده می‌شود (صفحه ۴۹)، در قرن هفتم اربلی، پنج بیت تازه بر قصیده افزوده است (صفحه ۴۹)، و حدود هزار سال بعد شش بیت دیگر با همین آغاز بر قصیده افزوده شد (صفحه ۴۸). زیرا همه این ابیات را ابن شهر آشوب متوفای قرن ششم در کتاب المناقب یکجا نقل نموده است.

## (۵)

نویسنده در صفحه ۵۰ می‌نویسد: در این که تقریباً همه ابیات این قصیده زیبا در مدح امام سجاد - علیه السلام - سروده شده و شایسته است پیوسته آن را در ثنای ایشان بخوانیم تردید نیست.

این نیز نادرست است. زیرا ظاهراً دو بیت این قصیده توسط حزین کنانی - و نه فرزددق - در مدح عبدالله بن عبدالملک سروده شده و شایسته نیست - علی‌الخصوص بطور پیوسته - آن را در مدح امام زین العابدین - علیه السلام - بخوانیم. آن دو بیت چنین است:

یفغی حیاء و یغضی من مهابته	فلا یکلم الا حین یبتم
فی کفه خیزران ریحه عقب	من کفّ اروع فی عرنینه شم



یعنی از شدت حیا دیده فرومی‌خواباند و دیگران از شدت مهابت او چشم برهم می‌نهند و یارای تکلم او را ندارند مگر آنگاه که وی تبسم کند. در دستش چوب خیزرانی است که بوی خوش آن برخاسته از کف دست نیک روی شجاعی است که سر فرود نیاورده است.

این مطلب تحقیق جدیدی نیست بلکه آن را ابوالفرج اصفهانی در قرن چهارم هجری بیان داشته و دیگران نیز اظهار کرده‌اند. ابوالفرج اصفهانی می‌نویسد: مردم این دو بیت را در زمرة قصیده فرزدق در مدح امام سجاد - علیه‌السلام - روایت می‌کنند. قصیده‌ای که با این مطلع آغاز می‌شود:

هذا الذى تعرف البطحاء وطأته      والبیت يعرفه والحل والحرم

اما این دو بیت در آن قصیده نیست و امثال علی بن الحسین - علیه‌السلام - برتر از آنند که با این ابیات مدح شوند و ایشان را فضل و کمال آشکاری است که دیگران را نیست. (۱)

و در دنباله کلام، ابوالفرج می‌نویسد:

صحیح آنست که آن دو بیت را حزین در مدح عبدالله بن عبدالملک سروده است و ابن عایشه در افزودن آن دو بیت به قصیده فرزدق اشتباه کرده است. ابیات حزین هماهنگ و منتظم و متشابه است و خود آن قصیده می‌گوید که آن دو بیت نیز در آن ابیات است.

آنگاه اشعار حزین در مدح عبدالله بن عبدالملک را نقل می‌کند. (۲)

## (۶)

و در صفحه ۴۶ درباره همان دو بیت مذکور در بند پیش می‌نویسد: پیش از این دیدیم که ابوالفرج به شدت از انتساب این دو بیت به فرزددق در مدح امام (ع) سر باز می‌زند و آنها را که به قول ابن قتیبه زیباترین ابیات در مدح است شایسته مقام امام نمی‌داند. شاید شهرت ابیات در میان خنیاگران عرب موجب شده است که وی آنها را از ساحت مقدس امام (ع) بزدايد.

اما به نظر ما این چنین نیست.

اولاً: ابن قتیبه نگفته است که دو بیت مذکور بهترین ابیات در مدح است و این نسبت ناروایی به اوست. وی در کتاب عیون الاخبار<sup>(۱)</sup> درباره آن دو بیت می‌گوید:

و من احسن ما قیل فی الهیبة

یعنی از زمره بهترین آیاتی که در «هیبت» سروده شده این دو بیت است.

آیا مدح و هیبت یکی است؟

ثانیاً: شهرت ابیات در میان خنیاگران نیز دلیل زدودن شعر از ساحت امام (ع) نیست. بلکه دلیل آن اینست که حضرت زین العابدین - علیه السلام - هیبت سلاطین را نداشته است و در دست مبارک خود چوب خیزران به حرکت در نمی‌آورده‌اند. مرزوقی در شرح دیوان الحماسة<sup>(۲)</sup> در شرح بیت:

بکفه خیزران ریحه عقب      من کف اروع فی عرنینه شم

می‌نویسد: بکفه خیزران یعنی در دست او ترکه‌ایست که آنرا پادشاهان در دست گرفته و با آن بازی می‌کنند.

جاحظ نیز در فصلی با عنوان «آنچه درباره چوبدستی‌ها و عصاها و جز آن گفته‌اند» می‌نویسد: پادشاهان حتی در مجالس هم چوبدستی را از دست نمی‌نهادند و برای همین است که شاعر گوید:

فی کفه خیزران ریحه عقب      من کف أروع فی عرنینه شم  
یغضی حیا و یغضی من مهابته      فا یکلم الاحین یبتسم<sup>(۱)</sup>

## (۷)

و در صفحه ۲۴ ضمن مقایسه مقدمه قصیده فرزدق در کتاب الاختصاص شیخ مفید و الاغانی ابوالفرج اصفهانی می‌نویسد: داستان همان داستان اغانی است جز اینکه الفاظ و عبارات اندکی متفاوت است. از جمله اختلافات یکی اینست که هشام بر پیشانی امام علیه‌السلام جای سجاده را می‌بیند که چون زانوی بز برآمده است این وصف در اغانی نیامده است.

این عبارات نیز به جهاتی شایسته نقد و بررسی است. اولاً: اوصاف دیگری در کتاب الاختصاص آمده که آنها نیز در الاغانی نیامده است. مثلاً این عبارت که: *انه من احسن الناس وجهاً واطیهم رائحة*. یعنی او از زیباترین و خوش‌بوترین مردم است، و اختلاف منحصر در آنچه ذکر شده است نیست. ثانیاً: در ترجمه از زبانی به زبان دیگر بایستی جنبه‌های معنوی کلام را بر ظاهر الفاظ ترجیح داد. مثلاً اگر بدانیم مشبه به در زبانی چندان از حسن شهرت برخوردار نیست، بهتر است معادل مناسبی برای آن جستجو کنیم. در شعر زیر بنگرید:

عیون المها بین الرصافة و الجسر      جلبن الهوی من حیث ادری و لادری

حال اگر مترجمی به دلیل آنکه «مها» جمع «مهاة» به معنی گاو است چنین ترجمه کند: «چشمان گاوانی که بین رصافه و جسر است میل مرا برمی‌انگیزد» ترجمه نادرستی انجام داده است، زیرا چشم گاو به واسطه آنکه به زیبایی نزد عرب زبانزد است در آن زبان می‌تواند مشبه به واقع شود اما در زبان فارسی معادل آن چشمان غزال است و زیننده است بیت را چنین ترجمه کنیم:

«مه‌رویانی که چشمشان مانند چشم غزالان وحشی است - دانسته یا نادانسته - عشق مرا برمی‌انگیزند.»

ثالثاً: تشبیه «کركبة العنز» یعنی مانند زانوی آهو بچگان و غزالان، چنانکه در لغت آمده است: «يقال للأنثى من اولاد الظباء عنز».<sup>(۱)</sup> عنز گرچه به معنی بز و بز کوهی و آهو نیز آمده است،<sup>(۲)</sup> اما روشن است که معنای اول به جهت آنکه عبارات در مقام توصیف نورانیت و حسن ظاهری و زیبایی جمال امام است، مناسب‌تر می‌نماید. رابعاً: وجه شبه در تعبیر «بین عینیه سجادة كركبة العنز» پینه بستگی است و نه برآمدگی، اما در مقاله آمده است هشام بر پیشانی امام - علیه‌السلام - جای سجاده را می‌بیند که چون زانوی بز برآمده است!

## (۸)

و در صفحه ۴۴ آمده است: درست معلوم نیست ابیات را در مدح چه کسی سروده‌اند. برحسب یکی از روایات دیوان، در مدح یکی از علویان است. نیز دیدیم در منبعی که اصل آن بر ما معلوم نشد آنها را در مدح حضرت امام حسین - علیه‌السلام - دانسته‌اند. ممدوحان دیگری نیز چون امام محمدباقر - علیه‌السلام - عبدالله بن عبدالملک و یا قثم را هم از برای این قصیده نام برده‌اند. همین تردیدها موجب گردید که بسیاری از منابع کهن ابیات را به شاعرانی غیر از فرزدق نسبت دهند.

در زیر به بررسی عبارات فوق می‌پردازیم. اما پیش از آن، در پاسخ این جمله نویسنده محترم که می‌نویسد: درست معلوم نیست ابیات را در مدح چه کسی سروده‌اند، توجه ایشان را به مطالب صفحه ۵۰ مقاله خودشان جلب می‌کنیم که نوشته‌اند: در این که تقریباً همه ابیات این قصیده زیبا در مدح امام سجاد - علیه‌السلام - سروده شده و شایسته است پیوسته آن را در ثنای ایشان بخوانیم تردید نیست.

۱ - معجم مقاییس اللغة، ابن فارس ۴ / ۱۵۵.

۲ - العنز: الأنثى من المعزى و من الاوعال و الظباء. همان مدرک.

### ۱- امام حسین علیه‌السلام

در میان مآخذی که اشعار فرزدق را نقل کرده‌اند کتاب «مطالب السؤل» تألیف محمدبن طلحة شافعی قصیده را با اختلاف اندکی در دو فصل کتابش نقل نموده است. یکبار در فصل مربوط به حضرت سیدالشهداء - علیه‌السلام - و بار دگر در فصل مربوط به حضرت زین‌العابدین - علیه‌السلام.

اما هنگامی که وقایع سفر امام حسین - علیه‌السلام - را از مکه به کربلا می‌نویسد می‌گوید که در محله شقوق فرزدق با امام - علیه‌السلام - ملاقات می‌کند و ضمن ارائه گزارشی از وضعیت مردم کوفه به حرکت خود ادامه می‌دهد. اما در راه به ابن عم خود می‌گوید: این حسین است که فرزند علی و فاطمه زهرا دخت پیامبر اکرم است. او فرزند برگزیده خداست و فاضل‌ترین کسیکه بر پهنه زمین گام نهاده است و من پیش از این ابیاتی برای رضای خدا سروده‌ام که اگر خواستی برایت بخوانم. آنگاه می‌گوید: در شأن او و پدر و مادر و جدش گفته‌ام:

هذا الذی تعرف البطحاء وطأته  
 هذا حسین رسول الله والده  
 والبیت يعرفه والحل والحرم  
 امست بنور هدها تهتدی الامم

الی آخر الابیات.

و در فصل مربوط به حضرت زین‌العابدین - علیه‌السلام - می‌نویسد: هشام بن عبدالملک پیش از آنکه والی شود به حج رفت و از ازدحام جمعیت نتوانست استلام حجر کند اما علی بن الحسین - علیه‌السلام - پیش آمد و مردم برای او راه باز کردند و هشامیان از هشام سؤال کردند که این کیست و او گفت من او را نمی‌شناسم. فرزدق که این سخنان را می‌شنید گفت ولیکن من او را می‌شناسم. او علی بن الحسین - زین‌العابدین است و اشعاری را که بیشتر در شأن سیدالشهداء - علیه‌السلام - سروده بود برای وی انشاد کرد (ص ۷۹)

این مطلب به عقیده ما نه تنها بر بی‌اعتباری قصیده دلالت ندارد، بلکه به عکس صورت واقعی قضیه را ترسیم می‌کند. شاعر اشعاری را در مدح اهل البیت - علیهم

السلام - پیشتر سروده است و اکنون که مناسبت اقتضا کرده آن اشعار را با مختصر تغییری بمی خواند. مثلاً «هذا حسين رسول الله والده» را تبدیل به «هذا علي رسول الله والده» می نماید. آیا اگر قصیده، چنین سابقه‌ای داشته باشد، دلیل آن می شود که بگوییم قصیده از فرزدق نیست؟

## ۲- عبدالله بن عبدالملک

پیشتر گفتیم که بیت ششم و هفتم قصیده را ابوالفرج منتسب به حزین و در شأن عبدالله بن عبدالملک می داند. این بدان معنی نیست که بگوییم قصیده درباره عبدالله بن عبدالملک است. قصیده‌ای که بعضی از ابیات آن چنین است نمی تواند در شأن عبدالله بن عبدالملک باشد: هذا علي رسول الله والده، هذا بن فاطمة الزهراء ان كنت جاهله، من جدّه دان فضل الانبياء له، مشتقة من رسول الله نبعته.

آری قصیده در نظر ابوالفرج اصفهانی به فرزدق منسوب است و وی آن نسبت را صحیح و درست می داند، جز آنکه می گوید: بیت ششم و هفتم قصیده از آن فرزدق نیست.<sup>(۱)</sup>

## ۳- امام محمدباقر علیه السلام

و در صفحه ۱۸ می نویسد: در نسخه دیگری از «حماسه» شرح خطیب تبریزی که در اختیار «گود فروا» بوده، اشعار به کثیربن ابی کثیر السهمی منسوب است که در مدح امام محمدباقر علیه السلام ساخته شده.

اما شرح خطیب تبریزی بر «الحماسه» ابوتمام به صورت انتقادی و مصحح چاپ شده است و به وضوح تمام قصیده فرزدق در مدح امام سجاد علیه السلام شرح شده است. (مجلد ۲ جزء ۴ ص ۸۲) آیا صحیح است که چاپ‌های مصحح الحماسه را که در همه کتابخانه‌های معتبر دنیا وجود دارد کناری نهمیم و بر یک نسخه خطی الحماسه که احتمالاً در حاشیه آن، اشعار را در مدح امام محمدباقر- علیه السلام - دانسته استناد کنیم؟ علاوه بر آن هیچ مانعی ندارد که اشعاری که در مدح حضرت سجاد - علیه السلام -

است، در شأن حضرت باقر - علیه‌السلام - نیز خوانده شود.

#### ۴- قثم بن العباس

ابوالفرج اصفهانی در ضمن روایاتی که نقل می‌کند می‌گوید: ریاشی از اصمعی نقل می‌کند که شخصی در مقابل قثم بن العباس ایستاد و گفت:

یکاد میسکه عرفان راحتہ      رکن الحطیم اذا ما جاء یستلم  
کم صارخ بک من راج و راجیة      فی الناس یا قثم الخیرات یا قثم<sup>(۱)</sup>

اما اولاً اگر یک بیت از قصیده‌ای به گوینده‌ای منسوب باشد، تنها می‌توان دربارهٔ انتساب آن بیت بحث نمود و سایر ابیات در حکم خود باقی است. ولی نویسندهٔ مقاله می‌نویسد: ممدوحان دیگری چون قثم را هم از برای قصیده ذکر کرده‌اند.<sup>(۲)</sup> در صورتی که مناقشه تنها در بیت زیر است:

یکاد میسکه عرفان راحتہ      رکن الحطیم اذا ما جاء یستلم

و نه از تمامت قصیده.

ثانیاً: روایت ریاشی از اصمعی مرسل است زیرا بین اصمعی متوفای ۲۱۶ هجری و قثم بن العباس که ابن عم پیامبر است<sup>(۳)</sup> حدود یکصد و پنجاه سال فاصله زمانی وجود دارد. اسناد قصیده فرزدق در مدح امام سجاد - علیه‌السلام - بطور مستند در روایات متعدد در کتابها ثبت است، چگونه است که این روایات را نمی‌پذیریم ولی به یک روایت مرسل آنها با تعمیم حکم یک بیت به سایر ابیات مبادرت ورزیده‌ایم؟

۲ - صفحه ۴۴ .

۱ - ج ۵ / ۳۲۸ .

۳ - در تهذیب التهذیب ج ۸ / ۳۶۱ ذیل نام قثم بن العباس بن عبدالمطلب می‌نویسد: فی حدیث ابن عباس ان النبی - صلی‌الله علیه و آله و سلم - حمل قثم بین یدیه . ذکره ابن حبان فی الصحابة و ابن سعد فی طبقة الذین توفی النبی صلی‌الله علیه و آله و سلم و هم احداث . نیز ر. ک: الطبقات الكبرى ج ۷ / ۳۶۷ .

## (۹)

و در صفحه ۲۷ پس از آنکه دو روایت از سید مرتضی از قصیده فرزدق نقل می‌کند می‌نویسد: تردید صاحب امالی پانصد صفحه دورتر به صورت روشن‌تری جلوه می‌کند. در اینجا به مناسبت اصطلاح تغض له العیون گوید: این اصطلاح شاید از قول فرزدق یا آن کس که اشعار به او منسوب است اخذ شده آنجا که می‌گوید: یغضی حیا و یغضی ... و در صفحه ۲۶ درباره دانشمند بزرگ جهان اسلام سید مرتضی علم الهدی می‌نویسد: وی به عنوان نویسنده‌ای شیعی و سخت مومن و متقی قلم به دست می‌گیرد و می‌کوشد از منافع مذهب خویش و از میراثی که بیشتر به عالم تشیع تعلق دارد تا به دیگر آئین‌ها دفاع کند. در قرن پنجم هجری بحث بر سر این نیست که آیا فلان شاعر یا دانشمند لیاقت آن را داشته است که به فلان مذهب تعلق یابد یا نه، بلکه مدافعین هر یک از مذاهب و فرق و حتی مکتب‌های غیردینی سر آن دارند که تا سرحد امکان بر تعداد نوابغ و بزرگان خود بیافزایند. سید مرتضی نیز از این قاعده که پیوسته در قالب گرایش‌های قومی مذهبی مکتبی میهنی و غیره جلوه کرده است مستثنی نیست.

اما تعابیر به هیچ‌روی زیننده این دانشمند والا مقام نیست.

اولاً: سیدمرتضی در انتساب قصیده به فرزدق تردید نمی‌ورزد بلکه اصطلاح «تغض له العیون» مربوط به بیت هفتم قصیده در روایت ابن عایشه است و پیشتر عقیده ابوالفرج اصفهانی را در باب این دو بیت که گوینده آن فرزدق است یا حزین نقل نمودیم.<sup>(۱)</sup>

ثانیاً: سیدمرتضی دو روایت متقن از قصیده فرزدق را نقل کرده است. در روایت اول از حسین بن محمد بن طالب نقل می‌کند که گفت: حدثنی غیرواحد من اهل الادب ان علی بن الحسین - علیه السلام - حج...<sup>(۲)</sup>

و در نقل دوم روایت غلابی از قصیده را نقل فرموده و پس از نقل هفت بیت از قصیده می‌نویسد:



و ذکر الایات و هی اکثر مما زویناه لکنا ترکناها لانها معروفة.<sup>(۱)</sup>  
ثالثاً: سید مرتضی دانشمند والامقام و آزاده‌ای است که هرگز در اندیشه افزون جلوه دادن هم مذهب‌ان خود نیست. او اگر فرزددق از اهل ذمه بود باز او را به دلیل قصاید زیبایش می‌ستود. همچنان که در رثاء دوست ذمی دانشمندش ابو اسحاق صابی قصیده زیبایی با مطلع زیر ساخته و کمالات انسانی وی را ستوده است.<sup>(۲)</sup>

ماکان یومک یا ابا اسحاق      الا وداعی للمنی و فراقی<sup>(۳)</sup>

### (۱۰)

و در صفحه ۳۶ می‌نویسد: از نظر زمانی جامی (متوفای ۸۹۸ هـ) در اینجا قرار می‌گیرد. اما ترجمه بسیار مفصل و زیبای او در سلسله‌الذهب بیشتر ادبی است تا تحقیقی.

در این مورد توضیح نویسنده محترم بیش از این نیست و نمی‌دانیم آیا مقصود از عبارت فوق اینست که قصیده جامی یک رمان و داستان خیالی و خالی از حقیقت است و یا آنکه از قصیده جامی نمی‌توان به صحت انتساب قصیده به فرزددق اطمینان حاصل کرد.

اما حقیقت آنست که قصیده جامی دقیقاً ترجمه روایت و قصیده فرزددق در مدح امام سجاد - علیه‌السلام - است. و کسی که در آن بنگرد به عقیده جامی در این باب پی می‌برد. در زیر به مقایسه قصیده فرزددق به روایت ابن شهر آشوب مازندرانی<sup>(۴)</sup> و ترجمه زیبای منظوم آن توسط عبدالرحمن جامی<sup>(۵)</sup> مبادرت می‌کنیم:

۱ - همان / ۴۹ .

۲ - اعیان الشیعة ج ۸ / ۲۱۶ .

۳ - دیوان ج ۲ / ۸۳ .

۴ - مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴ / ۱۶۹ .

۵ - مثنوی هفت اورنگ، ص ۱۴۱ - ۱۴۵ .

## (حجّ هشام بن عبدالملک)

پور عبدالملک به نام هشام در حرم بود با اهالی شام  
(فلم یقدر علی الاستلام من الزحام)

می‌زد اندر طواف کعبه قدم لیکن از ازدحام اهل حرم  
استلام حجر ندادش دست بهر نظاره گوشه‌ای بنشست

(فبینا هو کذلک اذ اقبل علی بن الحسین - علیه السلام - و علیه ازار و رداء)

ناگهان نخبه نبی و ولی زین عباد بن حسین علی  
در کسای بهاء و حله نور در حریم حرم فکند عبور

(فجعل یطوف فاذا بلغ موضع الحجر تنحی الناس حتی یستلمه)

هر طرف می‌گذشت بهر طواف در صف خلق می‌فتاد شکاف  
زد قدم بهر استلام حجر گشت خالی ز خلق راه و گذر

(فقال شامی من هذا یا امیرالمومنین)

شامی‌بی کرد از هشام سؤال کیست این با چنین جمال و جلال  
(فقال: لا اعرفه لئلا یرغب فیه اهل الشام)

از جهالت در آن تعلق کرد وز شناسایش تجاهل کرد  
گفت شناسمش ندانم کیست مدنی یا یمانی یا مکی است

(فقال الفرزدق وکان حاضراً لکنّی انا اعرفه)

بوفراس آن سخنور نادر بود در جمع شامیان حاضر  
گفت من می‌شناسمش نیکو وزچه پرسوی بسوی من کن رو

(هذا الذی تعرف البطحاء و طأته آن کس است این که مکّه و بطحا  
حرم و حل و بیت و رکن و حطیم

مروه سعی و صفا حجر عرفات هر یک آمد بقدر او عارف  
طیبیه و کوفه کربلا و فرات بر علو مقام او واقف

(هذا علی رسول الله والده امست بنوره هداه تهتدی الامم  
هذا ابن سیده النسوان فاطمة

قرة العین سیدالشهداست غنچه شاخ دوحه زهراست  
و ابن الوصی الذی فی سیفه نغم)

لاله راغ حیدر کـرّار  
 الی مکارم هذا ینتهی الکرّم)  
 رود از فخر بر زبان قریش  
 به نهایت رسید فضل و کرم  
 عن نیلها عرب الاسلام والعجم)  
 حامل دولت است محمل او  
 هم عرب هم عجم بود قاصر  
 بجده انبیاء الله قدختموا)  
 خاتم الانبیاست نقش نگین  
 کالشمس ینجاب عن اشراقها الظلم)  
 فایح از خوی او شمیم وفا  
 روشنایی فزای و ظلمت سوز  
 طابت عناصره و الخیم و الشیم)  
 از چنان مصدری شده مشتق  
 فلا یکلم الا حین یتسم)  
 که گشاید بروی کس دیده  
 کز مهابت نگاه نتوانند  
 خلق را طاقّت تکلم او  
 العرب تعرف من انکرت والعجم)  
 گو مدانش مغفلی مغرور  
 گر ضریری ندید از او چه ضرر  
 بوم اگر زان نیافت بهره چه باک  
 یستوکفان و لایعروهما عدم)  
 دست او ابر موهبت باران  
 گسر بریزد نمی نگردد کم  
 کفر و قرهیم منجی و معتصم)  
 که گذشته ز اوج علّین

میوه باغ احمد مختار  
 (اذا رأته قریش قال قائلها  
 چون کند جای در میان قریش  
 که بدین سرور ستوده شیم  
 ینمی الی ذروةالدين التي قصرت  
 ذروة عزّت است منزل او  
 از چنین عزّ و دولت ظاهر  
 (هذا ابن فاطمة ان كنت جاهله  
 جد او را به مسند تمکین  
 ینجاب نورالذجی من نور غرّته  
 لایح از روی او فروغ هدی  
 طلعتش آفتاب روزافروز  
 (مشتقة من رسول الله نبعته  
 جدّ او مصدر هدایت حق  
 (یغضی حياء و یغضی من مهابته  
 از حیا نآیدش پسندیده  
 خلق ز او نیز دیده خوابانند  
 نیست بی سبقت تبسم او  
 (ولیس قولک من هذا بضائره  
 در عرب در عجم بود مشهور  
 همه عالم گرفت پرتو خور  
 شد بلند آفتاب بر افلاک  
 (کلتا یدیه غیاث عمّ نفعها  
 بر نکوسیرتان و بدکاران  
 فیض آن ابر بر همه عالم  
 (من معشر حبهیم دین و بغضهم  
 هست از آن معشر بلند آیین

بغض ایشان نشان کفر و نفاق  
 بعدشان مایه عتو و ضلال  
 او قیل من خیر اهل الارض قیل هم)  
 طالبان رضای مولا را  
 واندر آن خیل پیشوا باشند  
 سائلی من خیار اهل الارض؟  
 هیچ لفظی نیاید الا هم  
 والاسد اسدالشری والبأس محتم)  
 هم لیوث الشری اذا نهبوا  
 فی کل فرض و مختوم به الکلم)  
 بر همه خلق بعد ذکرالله  
 نام آنهاست بعد نام خدای  
 باشد از یمن نامشان رونق  
 (فبلغ ذلك علی بن الحسین - علیه السلام - فبعث الله باثنی عشر الف درهم)

چون بدان شاه حق شناس رسید  
 کرد حالی روان ده و دو هزار  
 (فردها و قال یابن رسول الله ماقلت هذا الذی قلت الا غضباً لله و لرسوله

و ما كنت لأرزا علیه شیئاً)

گفت مقصود من خدا و رسول  
 زآنکه عمر شریف را ز خطا  
 کرده ام صرف هر مدیح حجی  
 بهر کفارت چنان سخنان  
 لا لان استعیض ما اعطاء  
 (فردها الیه و قال بحق علیک لما قبلتها فقد رأى الله مکانک و علم نیتک)

ما نؤدیه عوض لائرتاد  
 هرچه دادیم باز نستانیم  
 قطره از ما بما نگرده باز

حب ایشان دلیل صدق و وفاق  
 قربشان پایه علو و جلال  
 (ان عدّ اهل التقی كانوا ائمتهم  
 گر شمارند اهل تقوی را  
 اندر آن قوم مقتدا باشند  
 گر بپرسند زآسمان بالفرض  
 به زبان کواکب و انجم  
 هم الغیوث اذا ما ازمة ازمة  
 هم غیوث الندی ذا وهبوا  
 (مقدم بعد ذکرالله ذکرهم  
 ذکرشان سابق است در افواه  
 سر هر نامه را رواج افزای  
 ختم هر نظم و نثر را الحق

قصه مدح بوفراس رشید  
 از درم بهر آن نکو گفتار

بوفراس آن درم نکرد قبول  
 بود از آن مدح نی نوال و عطا  
 همه جا از برای هر همجی  
 تا فتم سوی این مدیح عنان  
 قلته خالصاً لوجه الله

ابرجودیم بر نشیب و فراز  
 قال زین العباد و العباد  
 زآنکه ما اهل بیت احسانیم  
 ابر جودیم بر نشیب و فراز

آفتابیم بر سپهر علا      نفتد عکس ما دگر سوی ما  
(فقبلها)

چون فرزددق به آن وفا و کرم      گشت بی‌نا قبول کرد درم  
بود از آن هر دو قصدش الحق حق      می‌کنم من هم از فرزددق دق  
رشحه‌ای ز آن سجال و لطف و نوال      که رسیدش از آن خجسته مال  
ز آن حریفم اگر رسد حرفی      بندم از دولت ابد طرفی

(سمعت شیخ الحرمین ابا عبدالله القرطبی یقول: لو لم یکن لابی فراس  
عندالله عمل الاّ هذا دخل الجنة لانها کلمة حق عند ذی سلطان جائر.)<sup>(۱)</sup>

صادقی از مشایخ حرمین      چون شنید آن نشید دور از شین  
گفت نیل مراضی حق را      بس بود این عمل فرزددق را  
گر جزاینش ز دفتر حسنات      برنیاید نجات یافت نجات  
مستعد شد رضای رحمان را      مستحق شد ریاض رضوان را  
ز آنکه نزدیک حاکم جائر      کرد حق را برای حق ظاهر

چنانکه ملاحظه می‌شود ملا عبدالرحمن جامی ۱۲ عبارت روایت و ۱۵ بیت قصیده فرزددق را انتخاب کرده و آنها را طی ۶۵ بیت در مثنوی سلسله الذهب خود بنحویزیبایی برگردان کرده است. مقایسه بین فقرات این دو روایت ما را بر آن می‌دارد که بگوییم جامی این دانشمند و عارف و ادیب بزرگ اهل سنت، قصیده فرزددق و روایت تجاهل هشام را در مراسم حج، امری واقعی می‌شمرده است.<sup>(۲)</sup>

۱ - در بین مآخذی که قصیده فرزددق در مدح امام سجاد - علیه السلام - را نقل کرده‌اند، تنمّه: سمعت شیخ الحرمین ... تنها در کتاب کفایة الطالب صفحه ۳۰۳ آمده است. از این رو می‌توان گفت روایت گنجی شافعی از قصیده فرزددق مأخذ اصلی ملا عبدالرحمن جامی در ترجمه قصیده بوده است.

۲ - نویسنده محترم کتاب زندگانی علی بن الحسین (ع) آقای دکتر سید جعفر شهیدی، ضمن صحیح خواندن اصل داستان و ادامه پاورقی در صفحه بعد

## (۱۱)

و در صفحه ۱۵ می‌نویسد: تاکنون دیوان صحیح و کاملی که چاپ دقیق و علمی و انتقادی شده باشد در دست نداریم.  
در زیر به معرفی برخی از دیوان‌های مصحح و کامل فرزدق مبادرت کرده‌ایم:

## ۱- دیوان الفرزدق بروایت اصمعی

بروکلمان در تاریخ الادب العربی می‌نویسد<sup>(۱)</sup>: دیوان فرزدق به روایت اصمعی ضمن مجموعه‌ای که مشتمل بر پنج دیوان (نابغه، عروة، حاتم، علقمه، فرزدق) است. در قاهره در سال ۱۲۹۳ چاپ شده است نیز یوسف الیان سرکیس در معجم المطبوعات العربیه<sup>(۲)</sup> و جرجی زیدان در تاریخ آداب اللغة العربیه<sup>(۳)</sup> و عمر فروخ و دیگران بدین مطلب تصریح کرده‌اند.

در این دیوان قصیده موردنظر با بیست و هفت بیت نقل شده است. اما نویسنده مقاله پژوهشی در این باره می‌نویسد: ما قصیده بیست و هفت بیتی آن را فعلاً نادیده گرفته‌ایم.<sup>(۴)</sup>

## ۲- دیوان الفرزدق به تصحیح بستانی

این دیوان در سال ۱۹۶۰ م یا ۱۳۸۰ هـ با تصحیح و توضیح استاد کرم بستانی در دو مجلد توس دار صادر و دار بیروت بصورت انتقادی و مصحح چاپ شده است و قصیده مورد بحث در جلد دوم ص ۱۷۷ و ۱۷۸ در بیست و هفت بیت آمده است.

ادامه پاورقی از صفحه قبل

قصیده فرزدق، در صحت انتساب بعضی از ابیات آن تردید نموده‌اند. از جمله در صفحه ۱۲۶ می‌نویسند: ترجمه جامی منطبق بابت‌های ۱-۳-۱۰-۱۱-۲۱-۲۳-۲۵ (یعنی هفت بیت) از قصیده است. این مطلب چنانکه در مقایسه فوق نشان داده‌ایم، سهوی از ناحیه معظم له است زیرا اشعاری که جامی برای ترجمه از قصیده فرزدق برگزیده، متجاوز از دو برابر رئسی است که ذکر شده است.

۱- ترجمه عربی، ج ۱ / ۲۱۳.

۲- ص ۲۵۷

۳- ص ۱۴۴۴

۴- مقاله پژوهشی پیرامون قصیده‌ای بزرگ ص ۱۵ پاورقی.

### ۳- شرح دیوان الفرزدق ایلتیا الحاوی

این دیوان در سال ۱۹۸۳ م در دو مجلد توسط دارالکتاب اللبنانی و مکتبه المدرسته در بیروت طبع گردیده است و بر پشت جلد آن نوشته است: ضبط معانیه و شرحه: ایلتیا الحاوی. قصیده میمیه مدح امام سجاد - علیه السلام - در این کتاب در جلد دوم از صفحه ۳۵۳ تا ۳۵۶ در بیست و هفت بیت آمده است.

### ۴- دیوان الفرزدق با توضیح علی فاعور

این دیوان در سال ۱۹۸۷ م در دارالکتب العلمیه و در دو مجلد طبع گردیده است شرح و ضبط لغات قصاید در پاورقی‌ها توسط علی فاعور صورت پذیرفته و بیست و هشت بیت از قصیده مورد نظر در جلد دوم کتاب آمده است.

### ۵- دیوان الفرزدق عنی بجمعه عبدالله اسماعیل الصاوی

این دیوان در سال ۱۹۳۶ م در قاهره توسط المکتبه التجاریه الکبری و به کوشش عبدالله اسماعیل صاوی در دو مجلد طبع گردیده است و در صفحه ۸۴۸ و ۸۴۹ جلد دوم، قصیده را با شش بیت نقل کرده است. اما اهل نظر می‌دانند که به شماره ابیات قصیده‌ای که آنرا یکی از معاصرین با سلیقه خود گردآورده و روی جلد کتابش می‌نویسد: عنی بجمعه عبدالله اسماعیل الصاوی نمی‌توان استناد جست.

همین گردآورنده نیز در مقدمه‌ای که بر دیوان افزوده ، داستان حج گذاردن هشام و امام زین‌العابدین - علیه السلام - را از وفیلت الاعیان ابن خلکان و الاغانی ابوالفرج نقل کرده و دو بیت:

هذا الذی تعرف البطحاء و طأته  
یحسبنی بین المدینه و الآتی  
والبیت یعرفه والحل و الحرم  
الیها قلوب الناس یهوی منیها

را ذکر کرده است.<sup>(۱)</sup> راستی را اگر گرد آوردند دیوان به کتابهایی چون وفيات الاعیان و الاغانی اعتماد دارد چرا قصیده را طبق نقل آنها نقل نکرده است؟<sup>(۲)</sup> و اگر بدانها اعتماد نمی‌کند، چرا در مقدمه کتابش داستان و روایت قصیده را از آن منابع نقل کرده است؟

## دیوان‌های کهن

نکته‌ای که ذکر آن در این مقام خالی از فایده نیست آنست که دیوان‌های کهن قصیده را بطور کامل نقل کرده‌اند. بنگرید که سبط بن جوزی متوفای ۶۵۴ هـ در تذکرة الخواص پس از نقل قصیده مورد بحث می‌نویسد: قلت لم يذكره ابونعیم فی الحلیة الا بعض هذه الابيات المیمیة والباقي اخذته من دیوان الفرزدق.<sup>(۳)</sup> یعنی ابونعیم اصفهانی در حلیة الاولیاء تمامی قصیده را ذکر نکرده است و من باقی ابیات قصیده را از دیوان فرزدق نقل می‌نمایم. از این عبارت معلوم می‌شود که دیوان‌هایی که در اختیار سبط بن جوزی متوفای ۶۵۴ هجری بوده و در قرن هفتم موجود بوده است قصیده را بطور کامل دربرداشته است.

نسخه‌های خطی دیوان فرزدق در کتابخانه‌های معتبر دنیا نیز قصیده را با ابیات متعدد نقل کرده‌اند. بروکلیمان بعضی از این نسخ را در کتابش گزارش کرده است.<sup>(۴)</sup> مثلاً نسخه ۴۲۶۱ پاریس قصیده را با بیست و هفت بیت و نسخه شماره ۱۲۰۳ پاریس قصیده را با هیجده بیت نقل کرده است.<sup>(۵)</sup>

بروکلیمان در دنباله می‌نویسد: قصیده فرزدق در مدح امام زین‌العابدین در نسخه‌های زیر وجود دارد: جوتا ۲۶ و ۱۴ - لیدن ۵۹۰ - پاریس ۶ و ۱۲۰۵ و ۶۵ و ۴۲۶۱ - بوهار

۱ - جلد ۱ صفحه ط، ی.

۲ - ابن خلکان در وفيات الاعیان ج ۶ / ۹۵-۹۶ قصیده را با بیست و هفت بیت و ابوالفرج اصفهانی در الاغانی ج ۲۱ / ۲۷۶ - ۳۷۷ قصیده را با بیست بیت نقل کرده‌اند.

۳ - تذکرة الخواص طبع سنگی ص ۱۸۶.

۴ - تاریخ الادب العربی، کارل بروکلیمان، ترجمه عربی، جزء اول، ص ۲۱۳ و ۲۱۴.

۵ - به نقل از مقاله پژوهشی پیرامون قصیده‌ای بزرگ، ص ۲۷.



۴۳۶ قسم ۲. (۱)

دیگر از نسخه‌های کهن دیوان، نسخه قسطنطنیه است که در بند ۵۰۶ آن، قصیده آمده است. (۲)

## (۱۲)

و در صفحه ۵۰ می‌نویسد: فرزدق طی نود سال زندگی شاهد بزرگترین بحران‌های سیاسی و مذهبی اسلام بوده است. هنگام شهادت حضرت امام علی علیه‌السلام بیست ساله بود هنگام واقعه کربلا چهل و یک ساله بود وی که شغل شاعری را از کودکی پیشه کرده بود ناچار در این سال‌ها می‌بایست در شمار شاعران زبردست بوده باشد اما وی بر حوادث غم‌انگیز این سال‌ها چشم فرو بست.

مطالب فوق نیز به شهادت نویسندگان تاریخ ادبیات عرب نادرست است:

۱- بروکلیمان در تاریخ الادب العربی می‌نویسد:

فرزدق در بصره چشم به جهان گشود و در آنجا سنین خردسالی را پشت سر گذاشت. آنگاه در حالی که نوجوان بود ملکه شعر در او ظاهر گردید. پدرش او را پس از جنگ جمل نزد علی بن ابی طالب آورد و به ایشان خبر داد که وی شاعر است. امام علی فرمود: او را قرآن بیاموز. فرزدق شعری نسرود مگر آنکه قرآن را حفظ کرده بود. (۳)

۲- جرجی زیدان می‌نویسد:

فرزدق خود را پیرو علی و خاندانش می‌شمرد و در اواخر حیاتش در مراسم حج به هشام بن عبدالملک برمی‌خورد. هشام در آنجا علی بن الحسین را می‌بیند که مردم بگرد اویند و به استلام حجر می‌پردازد و از سر تجاهل می‌پرسد او کیست؟ آنگاه قصیده خود را در مدح علی بن الحسین با مطلع:

۱- تاریخ الادب العربی ۲۱۴/۱.

۲- تصویر چند صفحه از نسخه مزبور را - که قصیده مورد بحث نیز در آن بین است - برادر گرامی آقای محمد امینی نجفی در اختیار نگارنده قرار داده‌اند که بدین وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌نمایم.

۳- تاریخ الادب العربی ۲۰۹ / ۱.

## هذا الذي تعرف البطحاء وطأته والبیت يعرفه والحل والحرم

برمی‌خواند. فرزدق از مادحین بنی امیه نبود زیر وی خود را از شیعیان می‌شمرد و بعضی از بنی امیه را نیز هجو کرده است.<sup>(۱)</sup>

۳- احمد حسن زیات می‌گوید:

فرزدق جایگاه نیکویی در دفاع از آل علی دارد و با صراحت و شجاعت بدین کار پرداخته است. مانند روزی که در مراسم حج به هشام بن عبدالملک برمی‌خورد. هشام آنگاه که علی بن الحسین را می‌بیند که در میان مردم به استلام حجر می‌پردازد، از روی تجاهل می‌پرسد: او کیست؟ این مطلب بر فرزدق گران می‌آید و پاسخ وی را با قصیده معروف خود با مطلع:

## هذا الذي تعرف البطحاء وطأته والبیت يعرفه والحل والحرم

می‌گوید. هشام و را زندانی می‌کند و پس از آنکه وی هشام را در زندان هجو می‌کند وی را آزاد می‌سازد. فرزدق در سال ۱۱۰ هجری در سنینی نزدیک به یکصد سالگی دار دنیا را وداع می‌گوید.<sup>(۲)</sup>

۴- عبدالجلیل در تاریخ ادبیات عرب می‌نویسد: جاهایی که نشان شرافتی در فرزدق می‌توان یافت یکی تعلقی است که نسبت به خاطره پدرش داشت<sup>(۳)</sup> دیگر اخلاصی است

۱- تاریخ آداب اللغة العربية ۲۵۶. ۲- تاریخ الادب العربي ۱۶۵.

۳- از جمله مطالبی که بر غیرت و تعلق خاطر فرزدق نسبت به پدرش دلالت دارد، اشعار وی است که در ضمن روایت زیر ابوالفرج اصفهانی آورده است: اخبرنا عبدالله بن مالک قال: حدثنا محمد بن حبيب عن الاصمعي قال، جاءت امرأة الي قبر غالب ابي الغزدق فضربت عليه فسطاطاً. فأتاها فسألها عن امرها. فقالت: ابي عائدة بغير غالب من امر نزل بي. قال لها: و ما هو قد ضمننت خلاصك منه.

قالت: ان ابنا لي أغزى الي السنند مع تميم بن زيد، و هو واحدی.

قال: انصرفني فعلى انصرافه اليك ان شاء الله. قال: و كتب من وقته الي تميم بقوله:

که نسبت به خانوار مصیبت دیده حضرت علی علیه السلام ابراز می‌داشت.<sup>(۱)</sup> خود نویسنده مقاله مورد بحث عقیده نخستین نویسندگان تاریخ ادبیات عرب را چنین گزارش کرده است: عبدالجلیل و حسن زیارت و بروکلن تعلق خاطر شاعر را به خاندان امام علی - علیه السلام - تنها پرتو نیکبختی در زندگانی او می‌دانند. نیکلسون تمام داستان را ترجمه کرده و به اندوه شاعر درباره واقعه کربلا اشاره می‌کند.<sup>(۲)</sup>

اما مهمترین دلیلی که بر تمایل فرزددق به خاندان پیامبر اکرم و تأثر وی از واقعه جانسوز کربلا دلالت دارد گفتار خود فرزددق است که دو نمونه معروف آنرا در زیر می‌آوریم:

۱- لقی الفرزدق الحسین بن علی - علیها السلام - متوجهاً الى الكوفة خارجاً من مكة في اليوم السادس من ذي الحجة فقال له الحسين - صلوات الله عليه و آله: ما واءك؟ قال: يا بن رسول الله، انفس الناس معك و ایدیهم علیک.<sup>(۳)</sup>

یعنی فرزددق در ششم ذی‌الحجه حضرت سیدالشهداء را در حالی که بطرف کوفه حرکت می‌فرمودند در خارج مکه ملاقات می‌نماید و امام به وی می‌گویند: از کوفه چه خبر؟ فرزددق می‌گوید: ای فرزند رسول خدا زبان‌های مردم با شما و دست‌هایشان علیه شماست.

جمله فوق به کمال خیرخواهی او نسبت به امر سیدالشهداء - علیه السلام - دلالت دارد.

ادامه پاورقی از صفحه قبل

هب لی حییشا و اتخذ فیه منة	لحرمة امّ ما یسوغ شرابها
أتنتی فعاذت بایتمیم بغالب	و بالحفرة السافی علیها ترابها
تمیم بن زید لا تکنونن حاجتی	بظهر فلا یخفی علی جوابها

قال: فعرض تمیم جمیع من معه من الجند فلم یدع احداً اسمه حییش و لا حنیش الا وصله و اذن له فی الانصراف الی اهله. الاغانی

۲- فلما قتل الحسين - صلوات الله عليه - قال الفرزدق: انظروا فان غضبت العرب لابن سيدها و خیرها فاعلموا انه سيدوم عزّها و تبق هیبتها، و ان صبرت علیه و لم تتغیر لم یزدها الله الا ذلا الی آخر الدهر و انشد فی ذلك:

فان انتم لم تثاروا لابن خیرکم فآلقوا السلاح و اغزلوا بالمغازل<sup>(۱)</sup>

یعنی هنگامی که امام حسین - علیه السلام - به شهادت رسید، فرزدق گفت: بنگرید اگر عرب برای فرزند سرور و آقا و بهترین فرد خود به خشم آمد و طومار حکومت ستمکاران را درهم پیچید، پس بدانید که عزت عرب باقی خواهد ماند و هیبت و جلالش ماندگار خواهد شد. اما اگر بر این ستم صبر پیشه ساخت و قیام نمود، پس خداوند آن عزت و شوکتی که بواسطه اسلام به ایشان مرحمت کرده است، از ایشان خواهد گرفت و تا پایان دهر جز خواری و ذلت چیزی برایشان نخواهد افزود. آنگاه در این باره بیت زیر را سرود:

اگر به خونخواهی فرزند رسول خدا قیام نکنید، از مردانگی و شرف شما را بهره‌ای نیست. اسلحه‌ها را بر زمین بگذارید و مانند پیر زنان با دوک‌ها نخ برسید. جملات فوق به کمال درایت و فهم درست فرزدق از عمق فاجعه کربلا دلالت دارد. وی حسین - علیه السلام - و پیروان و خونخواهان آن حضرت را مظهر عزت و شرف می‌داند و از دیگر سو نه تنها قاتلان و مسببان جنایت کربلا که همه امت عرب را چنانچه بر حوادث غمبار کربلا چشم فرو بندند، مستحق و مستوجب خواری ابدی می‌داند. همین شواهد و قرائن است که دانشمند بزرگ جهان اسلام سیدمرتضی را بر آن می‌دارد که فرزدق را از پیروان امیرالمومنین - علیه السلام - و علاقه‌مندان و متمایلان به بنی‌هاشم معرفی کند.<sup>(۲)</sup>

(۱۳)

و در صفحه ۳۵ درباره نویسنده کتاب کشف الغمه علی بن عیسی اربلی می‌نویسد: او نیز در صحت انتساب ابیات به فرزدق سخت در تردید است. لذا در پایان قصیده چنین اضافه می‌کند: من گویم گمان کنم که کمال الدین بن طلحه این داستان و این قصیده را از کتاب «الفتوح» ابن اعثم نقل کرده باشد. من در جوانی آنرا خوانده‌ام. قصیده به فرزدق منسوب است در مدح امام حسین (ع) اما آنچه راویان با اختلافی عظیم در ابیات بر آن اتفاق دارند آنست که قصیده از حزین لیشی است که در مدح قثم بن العباس سروده و فرزدق آنرا از برای علی بن الحسین - علیه السلام - بر خوانده است. اما ترجمه فوق به دلایل زیر نادرست است:

اولاً عبارت «اما آنچه راویان با اختلافی عظیم در ابیات بر آن اتفاق دارند» ترجمه غیر دقیقی از عبارت «اربلی» است، زیرا عبارت او چنین است: والذی علیه الرواة مع اختلاف کثیر فی شیء من ابیاتها. یعنی آنچه که راویان با اختلافی بسیار در بعضی از ابیاتش بر آن اتفاق دارند. به عبارت دیگر فی شیء من ابیاتها یعنی در چیزی از ابیاتش، اندکی از اشعار قصیده، مثلاً دو بیت یا سه بیت، در همین حدود، اما جمله با اختلافی عظیم در ابیات، ترجمه جمله «مع اختلاف کثیر فی ابیاتها» ست. یعنی نویسنده محترم کلمه «فی شیء» را که به معنی قلیلی از ابیات است، بالکل نادیده گرفته‌اند.

ثانیاً عبارت «آنچه راویان با اختلافی عظیم در ابیات بر آن اتفاق دارند آنست که قصیده از حزین لیشی است که در مدح قثم بن العباس سروده» این ترجمه نیز نارواست. زیرا عبارت اربلی چنین است: «والذی علیه الرواة مع اختلاف کثیر فی شیء من ابیاتها و انها للحزین اللیشی قالها فی قثم بن العباس...» بعبارت دیگر مترجم محترم حرف «واو» را در ابتدای جمله: و انها للحزین اللیشی نادیده گرفته‌اند. می‌دانیم «الذی» در جمله فوق مبتداست اما جمله «وانها للحزین اللیشی» نمی‌تواند خبر آن باشد زیرا «واو» بر سر خبر در نمی‌آید.

ثالثاً اربلی در فصل مربوط به فضائل امام زین‌العابدین - علیه السلام - روایت حج گزاردن هشام و علی بن الحسین - علیه السلام - را نقل کرده و در دنباله به عبارات مورد بحث اشاره کرده و می‌نویسد: فقالوا جماعة هشام هشام: من هذا؟ فقال لا اعرفه فسمعه

الفرزدق فقال: لکنی اعرفه هذا علی بن الحسین زین العابدین و انشد هشاماً من الابیات التي قالها فی ابیه الحسین - علیه السلام - و قد تقدم ذکرها:

هذا ابن خیر عبادالله کلهم هذا التقی النقی الطاهر العلم

و ابیات دیگر قصیده را نیز نقل می‌کند.<sup>(۱)</sup> از این عبارت صریح و روشن مؤلف کتاب، عقیده وی در باب قصیده و گوینده آن کاملاً روشن می‌گردد. بعضی از ابیات قصیده را فرزدق پیشتر در شأن سیدالشهداء - علیه السلام - سروده است و اکنون که موقع را مناسب دانسته آن ابیات را با تغییر مختصری در مدح سید الساجدین - علیه السلام - و در محضر هشام می‌خواند. آیا صحیح است که به چنین مؤلفی نسبت دهیم که قصیده را از آن حزین لیشی و در مدح قثم بن عباس می‌داند؟

رایعاً: جملات مورد بحث اربلی در کشف الغمه، نه تنها به تردید وی در انتساب قصیده به فرزدق دلالت ندارد، بلکه اتفاقاً اعتقاد جزمی وی را در این باب بیان می‌دارد. ترجمه صحیح عبارات اربلی چنین است؟

می‌پندارم محمدبن طلحه شافعی این کلام و قصیده را از کتاب «الفتوح» ابن اعثم نقل کرده باشد که من آن کتاب را در دوران جوانی خوانده‌ام. او می‌گوید: قصیده را فرزدق در مدح امام حسین - علیه السلام - سروده است. ولی آنچه که راویان بر آن اتفاق دارند با وجود اختلافی بسیار در بعضی ابیات آن و اختلاف در اینکه آن ابیات معدود را حزین لیشی در مدح قثم بن العباس سروده است، این است که قصیده را فرزدق در مدح علی بن الحسین - علیه السلام - انشاد کرده است و برای آن قصه‌ایست که در فصل اخبار آن امام خواهد آمد.

(۱۴)

و در صفحه ۵۱ در پایان مقاله آمده است: شاید عاقلانه‌تر آن باشد که تصور کنیم این ابیات دلنشین را نه یک تن بلکه گروهی از مسلمانان پاک دل که جانشان به عشق امامان آکنده بود طی چندین قرن ساخته‌اند. ایشان زیباترین ساخته‌های خود را در گمنامی تمام تقدیم پیشوایان خود کرده‌اند و از خداوند پاداش نیک خواسته‌اند. خدایشان اجر دهد.

اما به عقیده ما این عاقلانه‌تر نیست. قصیده‌ای را که تقریباً همه بزرگان علم و ادب و دین در کتابهای معتبر خود با روایات متعدد نقل کرده‌اند نمی‌توان مجعول دانست. در زیر به ذکر فهرستی از ناقلین قصیده فرزدق در مدح امام سجاد - علیه السلام - که همگی از بزرگان علم و دین هستند مبادرت می‌نمائیم. لازم به یادآوری است که بسیاری از این بزرگان در مذهب امامیه نبوده‌اند و جانشان به عشق امامان آکنده نبوده است: (۱)

- ۱- ابوالفرج اصفهانی متوفای ۳۵۶ در الاغانی ۲۱ / ۳۷۶ بیست بیت.
- ۲- طبرانی متوفای ۳۶۰ در المعجم الكبير ۳ / ۱۰۱ نه بیت.
- ۳- ابوعلی تنوخی متوفای ۳۸۴ در المستجد من فعلات الاجواد ۸۶ نه بیت.
- ۴- شیخ مفید متوفای ۴۱۳ در الاختصاص ۱۸۷ بیست و نه بیت.
- ۵- ابونعیم اصفهانی متوفای ۴۳۰ در حلیة الاولیاء ۳ / ۱۳۹ هفت بیت.
- ۶- سید مرتضی متوفای ۴۳۶ در الامالی ۱ / ۴۸ هفت بیت و در پایان می‌نویسد و هی طویلة مشهورة.
- ۷- حصری قیروانی متوفای ۴۵۳ در زهرالآداب ۱ / ۱۰۲ بیست و نه بیت.
- ۸- شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ در اختیار معرفة الرجال ۱۲۹ بیست و هشت بیت.

۱ - لازم به یادآوری است که مشخصات ۴۵ تن از راویان قصیده فرزدق در مدح امام زین‌العابدین - علیه السلام - که بین سالهای ۱۰۳ تا ۳۵۶ هجری وفات کرده‌اند، در بخش اول این مقاله آمده است. در این بخش نیز به ذکر نام ۳۵ تن از بزرگان علم و دین که در بین سالهای ۳۵۶ تا ۱۱۱۱ هجری وفات کرده و قصیده مزبور را نقل نموده‌اند، پرداخته‌ایم؛ اما بزرگان دیگری هم هستند که نامشان در این فهرست‌ها نیامده است.

- ۹- محمد بن فتال نیشابوری متوفای ۵۰۸ در روضة الواعظین ۱۹۹ بیست و نه بیت.
- ۱۰- عبدالقاهر شهرزی موصلی متوفای ۵۵۱ به نقل حاشیه تاریخ ابن عساکر ۱۶ + ۳۰ بیت.
- ۱۱- ابن عساکر متوفای ۵۷۱ در تاریخ دمشق ۱۷ / ۲۴۶ بیست و هشت بیت.
- ۱۲- قطب راوندی متوفای ۵۷۳ در الخرائج و الجرائح ۱۹۵ سند و مطلع قصیده را نقل کرده است.
- ۱۳- احمد بن محمد بن ابراهیم سلفی اصفهانی متوفای ۵۷۸ به نقل از طبقات الشافعیة ۱ / ۲۹۰ بیست و هشت بیت.
- ۱۴- ابن شهر آشوب متوفای ۵۸۸ در مناقب آل ابی طالب ۴ / ۱۶۹ چهل و یک بیت.
- ۱۵- ابن جوزی متوفای ۵۹۷ در المنتظم ۶ / ۳۳۱ بیست و هشت بیت.
- ۱۶- ابن اثیر جزوی ۶۰۶ در المختار فی مناقب الاخیار خطی نسخه ظاهریه ص ۲۹ بیست و هشت بیت.
- ۱۷- ابن خلکان متوفای ۶۰۸ در وفيات الاعیان ۶ / ۹۵ بیست و هفت بیت.
- ۱۸- ابن قدامه مقدسی متوفای ۶۲۰ در التبيين فی انساب القرشيين ۱۳۱ سیزده بیت.
- ۱۹- محمد بن طلحه شافعی متوفای ۶۵۲ در مطالب السؤل ۲ / ۳۳ نوزده بیت.
- ۲۰- سبط بن جوزی متوفای ۶۵۴ در تذكرة الخواص ۳۲۹ بیست و پنج بیت.
- ۲۱- ابوالحجاج مزّی متوفای ۶۵۴ در تهذیب الکمال ۲۰ / ۴۰۰ بیست و هشت بیت.
- ۲۲- گنجی شافعی متوفای ۶۵۸ در کفایة الطالب ۳۰۳ و در پایان می‌گوید: لو لم یکن لابی فراس عندالله عمل الا هذا دخل الجنة به لانها کلمة حق عند ذی سلطان جائر.
- ۲۳- علی بن عیسی اربلی متوفای ۶۹۲ در کشف الغمه ۲ / ۳۰۴ بیست بیت.
- ۲۴- شمس الدین ذهبی متوفای ۷۴۸ در تاریخ الاسلام حوادث ۸۱ الی ۱۰۰، ص ۴۳۸، ۴۳۹ شش بیت و در پایان می‌نویسد: و هی طویلة مشهورة.
- ۲۵- سبکی شافعی متوفای ۷۵۶ در طبقات الشافعیة ۱ / ۲۹۰ بیست و هشت بیت.
- ۲۶- یافعی شافعی متوفای ۷۶۸ در مرآة الجنان ۱ / ۲۳۹ بیست و پنج بیت.
- ۲۷- ابوالفداء ابن کثیر دمشقی متوفای ۷۷۴ در البداية والنهاية بیست و هفت بیت.
- ۲۸- ابوبکر هیثمی متوفای ۸۰۷ در مجمع الزوائد ۹ / ۲۰۰ نه بیت.
- ۲۹- دمیری شافعی متوفی ۸۰۸ در حیاة الحیوان ۱ / ۱۱ بیست و پنج بیت.



- ۳۰- ابن صباغ مالکی متوفای ۸۵۵ در الفصول المهمه ۱۸۹ بیست و شش بیت.
- ۳۱- خواجه پارسا متوفای ۸۶۵ در فصل الخطاب به نقل از ینابیع الموده ۳۷۸ بیست و هشت بیت.
- ۳۲- جلال الدین سیوطی متوفای ۹۱۱ در شرح شواهد المغنی ۲ / ۷۳۲ بیست و سه بیت.
- ۳۳- ابن حجر هیتمی متوفای ۹۷۴ در الصواعق المحرقة ص ۱۱۹ چهار بیت نقل کرده و می‌نویسد: القصیده، مشهوره.
- ۳۴- ابن عماد حنبلی متوفای ۱۰۸۹ در شذرات الذهب ۱ / ۱۴۲ بیست و هفت بیت.
- ۳۵- محمدباقر مجلسی متوفای ۱۱۱۱ در بحارالانوار ۴۶ / ۱۲۴ چهل و یک بیت.

راستی را اگر قصیدهٔ فرزدق در مدح امام سجاد - علیه‌السلام با این تعداد راویان و ناقلان - مجعول باشد، در صحت انتساب هیچ قصیده‌ای به شاعری نمی‌توان اطمینان حاصل کرد. در طی تاریخ نیز گرچه برخی از ادیبان و مورخان در صحت انتساب بعضی از ابیات قصیده تردید کرده‌اند، اما هیچکس منکر اصل داستان و قصیده نبوده است.<sup>(۱)</sup>

۱ - استاد محترم آقای دکتر سید جعفر شهیدی در این باره می‌نویسند: از سدهٔ چهارم به بعد تاریخ‌نویسان، داستانی را که موجب سرودن این قصیده و یا لااقل بیت‌هایی از آن شده آورده‌اند، و سپس از آن تاریخ هم کسی به صراحت منکر اصل داستان نشده.

ر. ک. : زندگانی علی بن الحسین، ص ۱۱۵.